

# افول قاعده «مصونیت والدین از مسؤولیت مدنی در برابر فرزندان» و شیوه‌های جبران خسارت مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و انگلیس

سیدعلی احمدزاده<sup>۱</sup>، محمدباقر پارساپور<sup>۲\*</sup>، حسن بادینی<sup>۳</sup>، ابراهیم عزیزی<sup>۴</sup>

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۲. استادیار دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۳. دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه تهران، تهران، ایران

۴. استادیار دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

پذیرش: ۹۴/۱۲/۸

دریافت: ۹۴/۸/۷

## چکیده

سیر تاریخی و تکامل مسؤولیت مدنی والدین در مقابل فرزندان در دو نظام حقوقی ایران و انگلیس حکایت از پذیرش اختیار مطلق برای والدین درخصوص فرزندان دارد تا جایی که می‌توان از منظر تاریخی از اقتدار بی قید و شرط والدین بر زندگی فرزندان سخن راند. رهاورد این رویکرد تاریخی در حوزه مسؤولیت مدنی، مصونیت از مسؤولیت مدنی برای والدین بود که از آن تحت عنوان «قاعده مصونیت از مسؤولیت مدنی والدین در برابر فرزندان» یاد می‌شود؛ اما با گذر زمان و تحولاتی که درحوزه حقوق مسؤولیت مدنی رخ داد، بار دیگر تاریخ ورق خورد و قاعده مصونیت از مسؤولیت مدنی والدین در مقابل فرزندان، از حالت مطلق و بدون قید و شرط خود خارج گردید تا فرزندان نیز در پناه حقوق فردی مستقل و حمایت‌های ویژه آن قرار گیرند و به این ترتیب در موارد عدیده‌ای مصونیت به مسؤولیت تبدیل شد. پژوهش حاضر

Email: parsapour@modares.ac.ir

\* نویسنده مسؤول مقاله:



نشان می‌دهد که در حقوق کنونی، مسؤولیت مدنی والدین در مقابل فرزندان از «شخصی» بودن مسؤولیت مدنی به سمت «جمعی» شدن و حتی به مرحله «جبران دولتی» خسارت فرزندان پیش رفته است. در حقوق ما با بهره‌گیری از دیدگاه مترقی فقه اسلامی در باب «ضمان عاقله» که بخشی از آن شامل ضمان جریره و جبران خسارت توسط بستگان می‌شود و همین‌طور جبران خسارت از طریق بیت‌المال، یعنی جبران توسط دولت، طرز تلقی جدیدی به جبران خسارت به وسیله قراردادهای اجتماعی از قبیل بیمه و تأمین اجتماعی از یک طرف و دولت از طرف دیگر شکل گرفته است. به این ترتیب، قانونگذار می‌تواند از طریق تصویب قانون، در مواقعی که منبع جبران خسارت وجود ندارد یا منبع قانونی توانایی مالی برای جبران خسارت را ندارد، با تشکیل «صندوق‌های بیمه مسؤولیت مدنی» جبران را بر عهده حکومت بگذارد. مقاله حاضر نشان از تخصیص اکثر خوردن این قاعده در حقوق انگلیس و استثنایی بودن آن در حقوق ایران دارد؛ به طوری که در حال حاضر می‌توان گفت: قاعده «مصونیت والدین از مسؤولیت مدنی» از حالت مطلق آن خارج شده و به تاریخ حقوق پیوسته است.

**واژگان کلیدی:** مصونیت، مسؤولیت مدنی، ضمان عاقله، صندوق بیمه مسؤولیت مدنی، جبران دولتی

## ۱. مقدمه

یکی از حوزه‌هایی که حقوق مسؤولیت مدنی با آن انس فراوان دارد، حوزه خانواده است. در خانواده والدین، حامی اصلی فرزندانند که یکی از حوزه‌های حمایتی مرتبط با فرزندان عبارت است از: پوشش مسؤولیت مدنی ناشی از اعمال زیانبار آنان توسط والدین که در قوانین و حقوق کشورهای مختلفی از جمله ایران و انگلیس پذیرفته شده

---

۱. کشورهای دیگری از جمله آلمان مسؤولیت مدنی والدینی را پذیرفته‌اند. ماده ۸۳۲ قانون مدنی آلمان مقرر می‌دارد: «کسی که به موجب قانون متعهد به مواظبت از شخصی است که به واسطه صغر خود یا وضع دماغی و جسمانی خویش نیاز به مواظبت دارد، ملزم به جبران خسارتی است که به وسیله این شخص بر اثر ارتکاب یک عمل غیرقانونی به دیگری وارد آورده است...».



است [۸، ص ۱۳].

هرچند امروزه نظام مسئولیت مدنی به نحوی است که عمل زیانبار، سبب می‌شود که اشخاص، مشمول قاعده «مسئولیت مدنی» قرار گیرند، لکن از گذشته در حقوق انگلیس در حوزه مسئولیت مدنی والدین، قاعده «مصونیت از مسئولیت مدنی والدین-فرزندی»<sup>۱</sup> مطرح شده است. با گذر زمان این قاعده دچار تحولات عدیده‌ای شده است؛ به نحوی که می‌توان گفت قاعده مصونیت عملاً جای خود را به قاعده مسئولیت مدنی داده است. در نظر است در این مقاله بررسی شود که آیا در نظام حقوقی ایران قاعده مصونیت والدین از مسئولیت مدنی، همانند حقوق انگلیس پذیرفته شده است؟ تحولات پیش آمده در حقوق انگلیس در این رابطه تا چه اندازه با تحولات حقوق ایران مطابقت دارد؟

## ۲. تاریخچه

اقتدار والدین بر فرزندان سبب شده که والدین به مسئولیت مدنی در مقابل فرزندان گردن نهند و همین امر باعث ایجاد زرهی به نام قاعده «مصونیت والدین از مسئولیت مدنی در مقابل فرزندان» شود. مصونیت والدین از مسئولیت مدنی به طور مطلق بوده، اما به مرور رویکرد به سمت مسئولیت مدنی آنان گراییده و مصونیت از مسئولیت، کم‌رنگ‌تر شده است و این فرایند تکاملی به سمت «جمعی» شدن مسئولیت پیش می‌رود. در حقیقت، مسئولیت مدنی از «مسئولیت شخصی» هم در حال گذر است و به سمت «مسئولیت اجتماعی»، بلکه به سمت «مسئولیت دولتی» در حال حرکت است. این دیدگاه جبران خسارت، قرن‌ها پیش در بحث «ضمان عاقله» مطرح شده و ریشه تاریخی و تأیید شده‌ای در حقوق اسلامی دارد.

۱. parent-child tort immunity rule



### ۳. مصونیت والدین از مسؤولیت مدنی در گذر زمان

تحول «مصونیت» به «مسؤولیت» در حقوق انگلیس (بندهای ۳، ۱، ۲) و حقوق ایران (بند ۴) را می‌توان به چند دوران تقسیم کرد:

۱. مصونیت مطلق والدین از مسؤولیت مدنی،
۲. افول نسبی مصونیت والدین از مسؤولیت مدنی،
۳. افول کامل مصونیت والدین از مسؤولیت مدنی،
۴. افول مسؤولیت شخصی والدین به مسؤولیت اجتماعی.

#### ۳-۱. مصونیت مطلق والدین از مسؤولیت مدنی

در جوامع اولیه مردم به صورت قبیله‌ای زندگی می‌کردند. همه فامیل با هم زندگی مشترکی داشتند و همه افراد از دستورات رئیس طایفه تبعیت می‌کردند. در خانواده همه افراد تحت اختیار پدر و مادر به‌ویژه پدر قرار داشتند. اگر از ناحیه والدین زبانی به فرزندان می‌رسید، امکان اقامه دعوا علیه آنان وجود نداشت، قانونی بر خانواده حاکم نبود، و هر خانواده اصول و باورهای خاص خود را داشت که اعضا به اجرای آن‌ها پایبند بودند. در خانواده، مصونیت والدین از مسؤولیت مدنی به صورت مطلق بود و در صورتی که از ناحیه والدین به فرزندان زبانی وارد می‌شد، امکان مطالبه جبران خسارت وجود نداشت.

در حقوق انگلیس، خانواده براساس «نظریه مصونیت» دارای شخصیت حقوقی واحدی [۲، ص ۴] بود و در نتیجه امکان طرح دعوی مسؤولیت مدنی اعضای خانواده علیه همدیگر وجود نداشت [۳]. مصونیت از طرح دعوا در مقابل همدیگر، به صورت مطلق بود.

#### ۳-۱-۱. مصونیت والدین از مسؤولیت مدنی در تربیت و تنبیه کودک

تربیت کودک از مهم‌ترین وظایف والدین است. ماده ۱۱۷۸ ق. م. بیان می‌دارد: «ابوین



مكلف هستند که در حدود توانایی خود به تربیت اطفال خویش بر حسب مقتضی اقدام کنند...». این ماده تربیت فرزند را تکلیف والدین می‌داند. به موجب ماده ۱۰۴۴ (ق.م: زن و شوهر باید در تحکیم بنیان خانواده و تربیت فرزند با یکدیگر همکاری کنند).

در تربیت کودکان باید دو رویکرد با هم مورد توجه قرار گیرد؛ یکی افزایش آموزه‌هایی که موجب رشد فضایل اخلاقی می‌شوند؛ همانند حسن اخلاق، معاشرت و آنچه مربوط به جنبه‌های مثبت زندگی است؛ و دیگری، تقلیل خصیصه‌هایی که مغایر با جنبه مثبت زندگی اجتماعی است؛ مانند پرهیز از دروغ‌گویی و کارهای ناپسند و آنچه که مربوط به بد اخلاقی و هنجارشکنی اجتماعی است. کودک ممکن است دست به کارهای خلاف شئون اخلاقی بزند و رفتارهای هنجارشکن نشان دهد. در این حالت اگر والدین به تنبیه کودک روی آورند، ممکن است بر مشکلات تربیتی کودک بیفزایند. آموزه‌های دینی بر تربیت صحیح کودک تأکید دارد؛ اما به خاطر تربیت، در موارد استثنایی تنبیه کودک را اجازه داده است. ماده ۱۱۷۹ ق.م<sup>۱</sup> نیز برای تربیت کودک به والدین اجازه تنبیه داده و حدود آن را محدود به تأدیب نموده‌کرده؛ ولی تعریفی از تأدیب ارائه نکرده است. تنبیه کودک طرق مختلفی دارد؛ همانند قهر، نبردن به تفریح، یا انجام کار در منزل؛ تنها در موارد استثنایی باید کودک را تنبیه بدنی کرد. اگر کودک در کانون خانواده بزرگ می‌شود و رفتارهای محبت آمیز از والدین می‌بیند، بالاترین تنبیه او ابراز نا رضایتی و قهر با او است. تنبیه باید به در حداقل ممکن و مدت آن کوتاه باشد. امام کاظم (علیه السلام) به یکی از یارانش که از فرزند شکایت می‌کرد فرمودند: «لا تضربهُ واهجرهُ ولا تطل؛»: او را کتک نزن، . از او دوری کن؛ اما قهرت خیلی طولانی نشود». اما قهرت خیلی طولانی نشود [۴، ص ۹].

تنبیه کودک باید: (۱) در حدّ ضرورت باشد؛ (۲) در حد متعارف باشد؛ (۳) نباید طوری نباشد که کودک، والدین را دشمن خویش تصور کند؛ (۴) سرزنش شدید نباشد،

۱. «ابوین حق تنبیه طفل خود را دارند، ولی به استناد این حق نمی‌توانند طفل خود را خارج از حدود تأدیب، تنبیه نمایند».



(حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «زیاده‌روی کردن در ملامت باعث برافروخته شدن آتش لجاجت می‌شود»؛<sup>۱</sup> [۵، ص ۹۴]؛ ۵) متناسب با نوع خطا باشد؛ ۶) تنبیه بدنی در موارد نادر استفاده شود؛ ۷) تنبیه بدنی باید آخرین راه حل باشد؛ ۸) به جاهای حساس بدن کودک ضربه وارد نشود؛ ۹) جای تنبیه نباید روی بدن کودک بماند و اگر به حد قرمزی پوست برسد ضارب باید دیه پرداخت کند؛ ۱۰) تنبیه می‌تواند موجب سلب حضانت والدین شود.

اگر والدین در راستای تکلیف قانونی ماده ۱۱۷۸ ق.م.ا، تنبیه بدنی کودک را لازم بدانند می‌توانند نسبت به آن اقدام کنند. ماده ۱۱۷۹ ق.م.ا استفاده از تنبیه کودک را به طور اعم که شامل تنبیه بدنی نیز می‌گردد حق والدین می‌داند. حتی قانونگذار در قانون مجازات اسلامی از این هم فراتر رفته، در مواردی تأدیب کودک را تعهد و تکلیف والدین دانسته است. ماده ۸۸ ق.م.ا. بیان می‌دارد: «درباره اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرائم تعزیری می‌شوند... دادگاه یکی از تصمیمات زیر را اتخاذ می‌کند: الف) تسلیم به والدین یا اولیا یا سرپرست قانونی با أخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل...». در ماده ۱۵۸ ق.م.ا. اقدامات والدین صغار و محجورین را که به منظور تأدیب یا حضانت آن‌ها انجام می‌شود می‌توان در همین راستا دانست. به این ترتیب، تنبیه کودک هم حق والدین، و هم در مواقع لزوم، تکلیف آنان است.

هرچند طبق اطلاق ماده ۴ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان،<sup>۲</sup> ایراد هرگونه آزار و اذیت نسبت به کودک قابل مجازات است و تنبیه بدنی به هر میزان که باشد علی‌الاصول باعث آسیب جسمی می‌گردد و از این بابت باید مطلقاً برای والدین ایجاد

۱. «الإفراط فی الملامة یثبُّ نار اللجاجه».

۲. علاوه بر موارد مذکور در مواد قبل، ارتکاب رفتاری که طبق قانون جرم محسوب می‌شود، در موارد زیر قابل مجازات نیست: .. ت) اقدامات والدین و اولیای قانونی و سرپرستان صغار و مجانین که به منظور تأدیب یا حفاظت آن‌ها انجام شود، مشروط بر این‌که اقدامات مذکور در حد متعارف و حدود شرعی تأدیب و محافظت باشد...».

۳. «هرگونه صدمه و اذیت و آزار و شکنجه جسمی و روحی کودکان... ممنوع و...».



مسؤولیت مدنی کند، اما قانونگذار به خاطر اهمیت تربیت کودک، تنبیه توسط والدین را مجاز دانسته و در رابطه بین کودک و والدین، چنین اقدامی را در جهت تربیت کودک در حد متعارف، موجب مسؤولیت والدین نمی‌داند. پس والدین در تنبیه متعارف، مصونیت از مسؤولیت مدنی دارند و این مصونیت، مصونیت مطلق است؛ یعنی تنبیه ولو بدنی باشد و هرچند باعث آسیب جسمی و روحی کودک گردد تا هنگامی که در محدوده عرفی انجام می‌شود، قانونگذار به تبع فقه اسلامی آن را اجازه داده است. پس برای والدین مسؤولیتی ایجاد نمی‌کند. به نظر ما نبود مسؤولیت والدین در رابطه با تنبیه متعارف فرزندان را می‌توان مصونیت مطلق از مسؤولیت مدنی دانست.

### ۳-۱-۲. مصونیت مطلق در ضمان عاقله

ضمان عاقله مورد قبول فقه امامیه و اهل سنت قرار گرفته است [۶، ص ۲۵؛ ۷، ص ۴۱۳]. در فقه امامیه عاقله چهار گروه و شامل: عصبه، معتق، ضمان جریره و امام (ع) است [۸، ص ۴۳۱؛ ۹، ص ۱۰۵۲]. مشهور فقها عصبه را عاقله می‌دانند، یعنی خویشاوندان ذکوری که از ناحیه پدر و مادر یا پدر با شخص نسبت داشته، به ترتیب طبقات ارث، مسؤول پرداخت خسارت هستند [۱۰، ص ۷۳۵]. ماده ۴۶۸ ق.م.ا. بیان می‌دارد: «عاقله عبارت از پدر، پسر و بستگان ذکور نسبی پدری و مادری یا پدری به ترتیب طبقات ارث است...». در این ماده، عاقله در معنای عصبه به کاررفته است. ماهیت ضمان عاقله یک دین است و از مقوله مسؤولیت مدنی است. ضمان ناشی از جنایت که به تبع فقه در قانون مجازات مطرح شده، مشابه دین و تعهد ناشی از جرم است [۱۱، ص ۱۴۰].

طبق ماده ۴۵۲ ق.م.ا. دیه دارای احکام و آثار مسؤولیت مدنی است. دیه به خاطر آن‌که هم احکام و هم آثار مسؤولیت مدنی را دارد دارای ماهیت مسؤولیت مدنی است.

۱. ماده ۴۵۲: دیه، حسب مورد، حق شخصی مجنی‌علیه یا ولی‌دم است و احکام و آثار مسؤولیت مدنی یا ضمان را دارد.



در فرضی که پدر، فرزند خود را به صورت خطای محض به قتل می‌رساند و فرزند جز پدر وارثی ندارد، و از عاقله فقط پدر باشد، طبق ماده ۴۷۰ قانون مجازات اسلامی پرداخت دیه به عهده خود مرتکب قتل است که در فرض ما پدر است، در این صورت پدر باید دیه را به خودش پرداخت کند که این نه معنا دارد و نه فایده‌ای [۱۲، ص ۳۳۷]. در این فرض، پدر که جانی محسوب می‌گردد، مطلقاً مصون از مسؤولیت مدنی است.

### ۳-۱-۳. مصونیت مطلق مادر از مسؤولیت مدنی در ضمان عاقله

طبق ماده ۴۷۰ ق. م. ا. در صورتی که عاقله نباشد یا ناتوان از پرداخت خسارت باشد، خود مرتکب مسؤول جبران خسارت خواهد بود. اگر مرتکب نیز قادر به پرداخت نباشد، دیه طبق نظر فقه امامیه به عهده امام معصوم (ع) از محل بیت‌المال، یعنی خزانه دولت است. مطابق ماده ۷ ق. م. م. اگر نگهداری فرزندان به عهده والدین است و با هم زندگی می‌کنند، در صورت تقصیر والدین در نگهداری، در مقابل افعال زیان‌آور فرزندان مسؤولیت مدنی دارند؛ در حالی که در «ضمان عاقله» مادر فاقد مسؤولیت مدنی برای پرداخت دیه است، یعنی مصونیت مطلق دارد. اگر صغیر یا مجنون، عمداً مرتکب جنایت شوند و والدین هم درخصوص نگاهداری تقصیر کرده باشند، چون فعل عمدی صغیر و مجنون در حکم خطای محض است و درجنایت خطای محض پرداخت دیه بر عهده «عاقله» است و مادر جزء عاقله محسوب نمی‌شود، برای پرداخت دیه مسؤولیتی ندارد؛ اما براساس ماده ۷ ق. م. م. مادر نیز مسؤول جبران خسارت ناشی از تقصیر در نگهداری و مراقبت از باب «سرپرستی» است. در این صورت برای پرداخت دیه نوعی تعارض بین ماده ۷ ق. م. م. و ضمان عاقله پیش می‌آید. ماده ۷ ق. م. م. به خاطر تقصیر در نگهداری، مادر را مسؤول جبران خسارت می‌شناسد؛ ولی در ضمان عاقله، چون مادر از عاقله نیست، فاقد مسؤولیت خواهد بود. آیا طبق قانون مجازات اسلامی باید عاقله دیه را پرداخت کند یا این‌که طبق ماده ۷ ق. م. م. مادر از باب سرپرستی مسؤول پرداخت است؟ دیه دارای ویژگی جبران خسارت است و باید دید کدام شیوه





جبران خسارت به نفع زیان‌دیده است. در مواقعی که عاقله فاقد توان مالی برای پرداخت خسارت هستند، ولی مادر توان مالی دارد باید طبق ماده ۷ ق. م. م. اقدام گردد تا مادر مکلف به جبران خسارت باشد؛ اما هرگاه مادر فاقد توان مالی باشد، از طریق ماده ۷ ق. م. م. خسارت زیان‌دیده جبران نخواهد شد و بدون جبران باقی می‌ماند. در این شرایط، اگر طبق قانون مجازات اسلامی از باب «ضمان عاقله» عمل شود، اگر عاقله و خاطی قادر به پرداخت دیه نباشند، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود و زیان‌دیده در شرایط بهتری قرار می‌گیرد؛ چون بیت‌المال (خزانه دولت) یک منبع مطمئن جبران خسارت است. این شیوه جبران خسارت (دولتی) از طریق قانون مسؤولیت مدنی میسر نیست؛ مگر پیشنهاد ما درخصوص «جمعی» یا «اجتماعی» یا «دولتی» شدن جبران خسارت ناشی از مسؤولیت مدنی در قانونگذاری آینده لحاظ شود.

### ۳-۲. افول نسبی مصونیت والدین از مسؤولیت مدنی

استحکام خانواده وابسته به اصولی متعالی مانند اصل مودت و رحمت، اصل معروف، اصل عدالت و مساوات، اصل تقدّم اخلاق بر حقوق، اصل مصلحت، اصل خصوصی بودن حریم خانواده، اصل کرامت، اصل تعلیم و تربیت، اصل اطاعت و احترام، اصل ثبات و اصل امنیت و عفاف [۱۳، ص ۱۲۹-۱۳۹؛ ۱۴، ص ۲۵۵-۲۸۳] است که تضمین‌کننده سعادت معنوی خانواده و جامعه خواهد بود. هرگاه والدین در رعایت این اصول رفتارهای متعارفی داشته باشند، مصون از مسؤولیت مدنی خواهند بود.

هرچند نگهداری فرزندان حق والدین است، اما سرپرستی والدینی که به رفتارهای ضد اجتماعی و ضد قانونی عادت داشته باشند، باعث الگوبرداری کودکان از آنان شده، از این طریق مجرمین بیش‌تری به جامعه تحمیل می‌کند [۱۵، ص ۹۳]. این نوع سرپرستی موجب بروز صدمات روحی یا جسمی فرزندان می‌گردد. مسؤولیت ناشی از صدماتی که بر طفل وارد می‌شود، به سبب آزردهی جامعه، دخالت دولت برای حمایت از صغیر و سلب حضانت از والدین را ضروری می‌سازد. بنابراین اگر در اثر رفتار غیرمتعارف



والدین ضروری به فرزندان برسد، تردیدی در تحقق مسؤولیت مدنی والدین باقی نمی‌ماند. این مسؤولیت را می‌توان افول نسبی قاعده مصونیت مطلق والدین از مسؤولیت مدنی در رابطه با نگهداری فرزندان دانست.

در حقوق انگلیس نیز قید «متعارف» پذیرفته شده و موجب پذیرش دعاوی فرزندان علیه والدین به سبب اعمال غیر متعارف شده است. در واقع، مصونیت طرح دعاوی اعضای خانواده علیه همدیگر و استثنایی بودن مسؤولیت در حقوق انگلیس مد نظر قرار می‌گیرد؛ یعنی اگر رفتار والدین با فرزندان به صورت والدینی<sup>۱</sup> و متعارف نباشد، در قبال رفتار نامتعارف در برابر فرزندان، مسؤولیت مدنی خواهند داشت. البته رفتار متعارف با رفتار متعارف والدین دیگر در همان شرایط سنجیده می‌شود و بنابراین، رفتار والدین داخل در رفتار خاصی تحت عنوان «رفتار والدینی» ارزیابی می‌گردد [۱۶، ص ۵۲۶]. در حقیقت، والدین مسؤول ضررهای ناشی از تقصیر خویش به فرزندان هستند و از طرف فرزندان می‌توانند طرف دعاوی قرار بگیرند [۱۷، ص ۹۸]. در انگلیس، اگر فرزند در معرض خطر جسمی و روحی و اخلاقی ناشی از رفتار نامتعارف والدین قرار بگیرد، ممکن است از والدین گرفته شود و به مقامات محلی (با تعیین دادستان) تحویل گردد. والدین انگلیسی در سابق از اقتدار مطلق درخصوص فرزندان برخوردار بودند، ولی سرآغاز تعدیل در این اقتدار مطلق را در قضیه Shelley<sup>۲</sup> می‌توان مشاهده کرد؛ دعوایی که در آن آقای پرسی شلی اولین پدری بود که حضانت و اقتدار بر فرزندان را طبق تصمیم دادگاه از دست داد؛ زیرا وی شخصی منکر وجود خدا بود و ممکن بود این اعتقاد را به فرزندان سرایت دهد و آن‌ها را نادرست تربیت کند. دادگاه نیز صراحتاً رأی خود را به همین اوصاف شلی مستند کرد [۱۸، ص ۶۳۳]. پس اگر والدین بتوانند رفتار «متعارف و احتیاط‌آمیز»<sup>۳</sup> با فرزندان داشته باشند دعاوی

۱. parental

۲. Children Act ۱۹۸۹, s ۳۱.

۳. Shelley v. Westbrooke

۴. reasonable and prudent



مسؤولیت مدنی فرزندان علیه والدینشان پذیرفته نخواهد شد [۱۹، ص ۱۱۴۱]. در غیر این صورت مسؤولیت مدنی دارند که نشان‌دهنده خروج از مصونیت است.

### ۳-۳. افول کامل قاعده مصونیت والدین از مسؤولیت مدنی

در تحولات حقوق مسؤولیت مدنی، افول کامل مصونیت والدین از مسؤولیت مدنی قابل ذکر است. به نظر ما هرچند که در حقوق مسؤولیت مدنی، تحولات زیادی در مصونیت والدین از مسؤولیت مدنی شکل گرفته و به سمت مسؤولیت مطلق (در مقابل مصونیت مطلق) گراییده است؛ اما نه افول مطلق از مسؤولیت مدنی شکل گرفته و نه مسؤولیت مطلق ایجاد شده است. برای مثال، هرند گرایش به ایجاد مسؤولیت برای والدین شکل گرفته، اما در مباحثی همانند «تنبیه متعارف فرزندان» در نفسِ تنبیه مصونیت مطلق وجود دارد. بنابراین در فقه و حقوق در مواردی مصونیت از مسؤولیت مدنی جریان دارد و این نشان می‌دهد که هنوز، نه مصونیت به طور کامل زایل شده و نه مسؤولیت مدنی حکومت کاملی یافته است و رگه‌هایی از «مصونیت والدین» وجود دارد که مانع افول مطلق از مصونیت است. این موضوع را در حقوق کیفری در رابطه با قتل عمد فرزند توسط پدر هم می‌توان مشاهده کرد. در حالی که در حقوق کیفری ما مجازات قتل عمد، اعدام است، اما اگر پدر فرزند خود را عمداً به قتل برساند، هرچند در مقابل بقیه اولیای دم مسؤولیت پرداخت دیه دارد، اما برای مجازات قصاص مصونیت خواهد داشت. با وجود این، در صورت تجاوز والدین از حدود متعارف، مسؤولیت مدنی خواهند داشت.

در حقوق انگلیس از گذشته مصونیت مطلق والدین از مسؤولیت مدنی در مقابل زیان‌های وارد به فرزندان حاکم بود (وحدت شخصیت حقوقی اعضای خانواده)؛ اما با گذر زمان این قاعده با افول مواجه شد و در حال حاضر «تئوری مسؤولیت مدنی والدین»<sup>۱</sup> مطرح شده است [۲۰، ص ۹۰]. با تصویب قانون معلولیت‌های مادرزادی ۱۹۷۶

۱. theory of parental liability



طرح دعوا فرزندان علیه والدین ممکن گردید. مثلاً کودک علیه مادرش نمی‌تواند دعوای مسؤولیت مدنی مطرح کند، مگر این‌که ورود صدمه به کودک در اثر بی‌احتیاطی مادر قابل انتساب به وی باشد [۲۱، ص ۹۵-۹۶].

در حقوق انگلیس، مسؤولیت مدنی والدین در قانون اطفال ۱۹۸۹م. بیان شده است. بند یک ماده این قانون مقرر می‌دارد: «همه حقوق، تکالیف، اختیارات، مسؤولیت‌ها و صلاحیت‌هایی که والدین در ارتباط با طفل و اموالش دارند در این قانون بررسی و تعیین می‌شود». در بند ۳ ماده ۳ همین قانون از جبران عینی و مراقبت از اموال فرزندان توسط والدین صحبت شده است.<sup>۲</sup> در حقوق انگلیس، اختیارات والدین در اموال فرزندان تحت عنوان «administration of property» (اداره اموال) مطرح شده است. در قانون اطفال برای فرزندان حق طرح دعوای استرداد و جبران (مدنی و مسؤولیت مدنی) در استفاده از اموال و منافع توسط والدین وجود دارد [۲۲، ص ۳۲]. مسؤولیت مدنی والدین شامل جانشینی در اموال فرزندان نمی‌شود (اگر جانشینی پذیرفته می‌شد طرح دعوای مسؤولیت مدنی در تلف اموال فرزندان علیه والدین مسموع نبود).<sup>۳</sup> در حقوق انگلیس همانند ایران اموال فرزندان مستقل از اموال والدین است [۲۳، ص ۴۰۹] و والدین دارای حق تصرف در اموال فرزندان تحت عنوان «اداره و مدیریت اموال» هستند؛ لکن در مورد تصرفات زیانبار مثل تلف اموال، والدین مسؤولیت مدنی دارند. در حقوق این کشور چنانچه تلف اموال توسط فرزندان صورت بگیرد، مسؤول خطای خویشند؛ مگر این‌که والدین مباشرت یا مشارکت در تلف داشته باشند [۲۴، ص ۵].

۱. The Congenital Disabilities (civil liability) Act ۱۹۷۶

۲. (۳) The rights referred to in subsection (۲) include, in particular, the right of the guardian to receive or recover in his own name, for the benefit of the child, property of whatever description and wherever situated which the child is entitled to receive or recover.

۳. Section ۳(۴)(b) Children Act ۱۹۸۹.



### ۳-۳-۱. شخصیت حقوقی خانواده، تأثیر آن در مسؤولیت مدنی

خانواده را باید یک واحد اجتماعی شناخت که در معنای اخص، شامل پدر و مادر و فرزندان است. «در جوامع بدوی، واحد اجتماعی را خانواده می دانستند و دوام و ابدیت این نهاد منظورات اصلی هر یک از افراد خانواده بود» [ ۲۵، ص ۲۵]. گفته شده: «دیر زمانی، واحد اجتماعی را خانواده می دانستند نه افراد خانواده» [۲۶، ص ۱۱۲]. برخی از استادان «شخصیت حقوقی» را این گونه تعریف کرده اند: «کیفیتی که قانونگذار برای گروهی از افراد یا برای مال یا حقوق خاصی برای یک هدف معین می شناسد تا موضوع حقوق و تکالیف قرار گیرد» [۲۷، ص ۱۷]. شخصیت حقوقی عبارت است از: صلاحیت دارا شدن حقوق و تکالیف برای موضوعات غیرانسانی [۲۸، ص ۷۰-۸۳]. در جوامع اولیه شخصیت حقوقی به معنای امروزی نبود؛ ولی فکر «شخصیت حقوقی» به صورت ابتدایی و نیمه متبلور وجود داشته است [۲۹]. اگر خانواده را دارای شخصیت حقوقی بدانیم، همه اعضای خانواده به عنوان یک شخص واحد شناخته شده و فرزندان و والدین نمی توانند علیه یکدیگر دعوای مسؤولیت مدنی مطرح کنند؛ چون هیچ کس نمی تواند علیه خودش طرح دعوا کند. در این صورت، مصونیت از مسؤولیت مدنی ایجاد خواهد شد. اما آیا خانواده دارای شخصیت حقوقی در معنای مصطلح است؟ با دقت نظر در قوانین ایران از جمله ماده ۱۱۱۸ ق. م. که قائل به استقلال مالی برای زن شده است، می توان گفت: در نظام حقوقی ایران خانواده دارای شخصیت حقوقی نیست [۳۰، ص ۴؛ ۱، ص ۱۲]. بنابراین اعضای خانواده می توانند علیه همدیگر دعوای مسؤولیت مدنی اقامه کنند.

### ۳-۳-۲. شخصیت حقوقی خانواده در قانون هدفمندی یارانه ها

در بند «ث» ماده ۱ آیین نامه اجرایی قانون هدفمندی یارانه ها آمده است: «خانوار از افرادی تشکیل می شود که براساس رابطه خویشاوندی درجه یک با یکدیگر زندگی می کنند. . . .». بند «الف» ماده ۷ قانون هدفمندی یارانه ها می گوید: «یارانه در قالب



پرداخت نقدی و غیرنقدی... به سرپرست خانوار پرداخت می‌شود». چون یارانه همه اعضای خانوار به حساب سرپرست خانوار پرداخت می‌گردد، آیا این امر موجب تغییر نگرش قانونگذار نسبت به شناخت «شخصیت حقوقی» برای خانواده شده است؟ اگر نتوان گفت که قانونگذار، خانواده را دارای شخصیت حقوقی می‌داند باید نوعی تغییر دیدگاه قانونگذار نسبت به وجود شخصیت حقوقی برای خانواده قائل شد؛ چون اگر این دیدگاه پنهانی قانونگذار در قانون هدفمندی یارانه‌ها «خرق حجاب» گردد، می‌توان آن را گامی در جهت گرایش به ایجاد شخصیت حقوقی برای خانواده تلقی کرد.<sup>۱</sup> برخی حقوقدانان از اعطای شخصیت حقوقی به خانواده دفاع کرده‌اند [۳۱، ص ۶۴].

آیا واریز یارانه به حساب سرپرست خانوار، اذن قانونی تصرف هم تلقی می‌شود یا این‌که تصرف او مستلزم اذن فرزندان است و بدون اذن، مسؤولیت مدنی خواهد داشت؟ طبق ماده ۷ قانون هدفمندی یارانه‌ها: «... الف) یارانه در قالب پرداخت نقدی و غیرنقدی... به سرپرست خانوار پرداخت می‌شود». برای استیذان تصرف هم طبق قاعده فقهی که می‌گوید: «اذن در شیء اذن در لوازم آن است» [۳۲، ص ۶۳۶؛ ۳۳، ص ۸۴]، هرگاه دولت یارانه را به حساب سرپرست خانوار واریز می‌کند، باید پدر «سرپرست» خانواده باشد تا یارانه به حساب او واریز شود و بتواند در آن تصرف کند؛ یعنی قانون حق تصرف پدر را ناشی از «سرپرستی» دانسته، نه «ولایت». تصرف سرپرست باید در راستای پرداخت افزایش قیمت حامل‌های انرژی یا برای نگاهداری فرزندان یا دارایی‌های آنان باشد (اگر سرپرستی در قانون هدفمندی و مدنی را یکی بدانیم) و در صورت تصرف، سرپرست مصون از مسؤولیت مدنی خواهد بود و در غیر آن مسؤولیت مدنی دارد.

در حقوق انگلیس در قرون وسطی [۳۴، ص ۲۶] قائل به شخصیت حقوقی خانواده

۱. در این صورت، برخورداری نهاد خانواده از «شخصیت حقوقی» و بازنگری و تنقیح قوانین در رابطه با حقوق متقابل زن و مرد، برای تحکیم بنیان خانواده امری ضروری است. هرچند به نظر ما خانواده تنها یک واحد اجتماعی است و فاقد شخصیت حقوقی است.



بودند و پس از ازدواج، زوجین شخص واحدی<sup>۱</sup> محسوب و ممنوع از طرح دعوی مسؤولیت مدنی علیه یکدیگر بودند. این امر مبتنی بر دکترین «وحدت حقوقی زن و شوهر»<sup>۲</sup> بود [۳۵]. همچنین معتقد بودند آنان دارای هویت و شخصیت واحدی هستند [۳۶]. این دکترین تا قرن نوزدهم نیز مورد توجه محافل حقوقی انگلیس بود. دکترین وحدت شخصیت زوجین، شامل فرزندان آنها نیز می‌گردید و لذا قائل به ممنوعیت طرح دعوی مسؤولیت مدنی کل اعضای خانواده علیه یکدیگر بودند [۳۷]. با این حال دادگاه‌های انگلیس این قاعده را به‌عنوان یک اصل نپذیرفتند و طرح دعوی اعضای خانواده علیه یکدیگر را قبول کردند. در نتیجه مصونیت کامل و مطلق از مسؤولیت به افول گرایید.

#### ۴. افول مسؤولیت شخصی به مسؤولیت جمعی یا مسؤولیت اجتماعی

اصل شخصی بودن مسؤولیت، یک اصل و قاعده پذیرفته شده در فقه [۲۸ و ۹] و حقوق است. در قرآن مجید پنج بار آیه شریفه «ولا تزر وازره وزر اخری» بیان شده است.<sup>۳</sup> در جامعه هر کس مسؤول عمل خویش است و نمی‌توان بار مسؤولیت فعل زیانبار شخصی را بر عهده دیگری گذاشت؛ اما قانونگذار در مواردی بار مسؤولیت مدنی را بر عهده غیرعامل زیان گذاشته است. برای مثال در ماده ۱۲ ق. م. م. مسؤولیت فعل زیانبار کارگران بر عهده کارفرما گذاشته شده است. در این فرض مسؤولیت کارگر و کارفرما هر دو وجود دارد و مسؤولیت آنان مسؤولیت تضاممی<sup>۴</sup> [۳۹] است.

۱. در یکی از آیات کتاب مقدس در کتاب پیدایش (۲:۲۴) آمده است: «... و به این دلیل است که یک انسان، پدر و مادر خود را ترک و با همسرش متحد می‌شود و آن دو با هم یک هویت را تشکیل می‌دهند».

۲. the doctrine of the unity of legal personalities of husband and wife

۳. «هیچ گناهکاری بار گناه دیگری را به دوش نمی‌کشد» ۱۶۴/سوره انعام، ۱۵/سوره اسراء، ۱۸/سوره فاطر، ۷/سوره زمر و ۳۸/سوره نجم.

۴. مسؤولیت تضاممی غیر از مسؤولیت تضامنی است. در مسؤولیت تضامنی، از تعهد واحد، دو یا چند شخص با منشأهای مختلف در قبال شخص طلبکار ملتزم می‌شوند؛ بدون آن‌که دیون متعدد باشند.



قانونگذار در ماده ۷۷ق. م. م. مسؤولیت سرپرست را ناشی از تقصیر در نگهداری دانسته است. در حقوق کیفری در «ضمان عاقله» مسؤولیت قتل خطای محض یا مطلق قتل توسط صغیر و دیوانه برعهده عاقله گذاشته شده است. در فقه اسلامی هدف اصلی از ایجاد ضمان، جبران زیان و برقراری عدالت است و برخلاف نظری که معتقد است استقرار اصل مسؤولیت شخصی به تمام معنا موافق با عدل و عقل و مصلحت اجتماعی است [ ۴۰، ص ۳۰۵]، این نظر را بطورمطلق نمی‌توان پذیرفت.

بحث افول مسؤولیت شخصی و جبران خسارت به صورت جمعی یا تأمین اجتماعی یا به وسیله دولت، از مباحث جدید مسؤولیت مدنی است. این بحث در حقوق اسلامی در ضمان عاقله ریشه تاریخی دارد. در صدر اسلام ضمان جریره<sup>۱</sup> مورد امضای شارع قرار گرفت تا جبران خسارت برای خاطی میسر گردد و زیان متضرر جبران شود. این مسأله امروزه با عنوان بیمه شکل گرفته است. در ضمان جریره و بیمه، دیه را مرتکب پرداخت نمی‌کند، بلکه ضامن جریره و بیمه‌گر که هیچ‌گونه مباشرتی در جنایت ندارند می‌پردازند. در ضمان عاقله، یک نوع «بیمه خانوادگی یا خویشاوندی» برای جبران خسارت اعضای خانواده از جمله صغیر و مجنون ایجاد شده است که نشان‌دهنده رویکرد به سمت «جمعی» یا «اجتماعی» شدن جبران خسارت است. افزون بر این، در ماده ۴۷۰ق. م. ا آمده است: «در صورتی که مرتکب، دارای عاقله نباشد، یا عاقله او به دلیل عدم تمکن مالی نتواند دیه را در مهلت مقرر بپردازد، دیه توسط مرتکب و در صورت عدم تمکن او از بیت‌المال پرداخت می‌شود». طبق این ماده در صورت نبود یا عدم توان مالی عاقله و خود مرتکب، پرداخت خسارت از «بیت‌المال» یعنی «خزانه دولت» صورت می‌گیرد. این نوع جبران خسارت که با پیشینه فقهی در قانون مجازات اسلامی آمده است، نگرش اجتماعی یا دولتی کردن جبران خسارت در مسؤولیت مدنی است. به این ترتیب جبران خسارت در حوزه مسؤولیت مدنی در حال

۱. ضمان جریره عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین عقد مسؤولیت جنایات مستلزم دیه را نسبت به طرف عقد می‌پذیرد با این شرط که از او ارث ببرد. شخص ضامن نباید از وراث قانونی مضمون‌عنه باشد.





گذر از مسؤولیت شخصی و ایجاد یک رویکرد جدید در ایجاد «مسؤولیت جمعی، اجتماعی یا دولتی» است که مصادیقی از آن‌ها بیان می‌گردد:

## ۵. جبران خسارت جمعی و اجتماعی در مسؤولیت مدنی

### والدین

#### ۵-۱. بیمه مسؤولیت مدنی

موضوع بیمه مسؤولیت مدنی، جبران خساراتی است که در اثر اعمال زیانبار اشخاص حقوقی، متوجه دیگران می‌شود. تعهد به نفع اشخاص ثالث ویژگی بارز بیمه مسؤولیت مدنی است و با توجه به جبران خسارت از سوی بیمه‌گر (شرکت بیمه)، برای بیمه‌گزار اطمینان خاطر حاصل می‌گردد.

در حوزه مسؤولیت مدنی اعضای خانواده، «عاقله» را می‌توان نوعی بیمه «خانوادگی، خویشاوندی» نامید که بار جبران خسارت زیان‌دیده را بین بستگان سرشکن می‌کند و نوعی جبران خسارت «جمعی» تلقی می‌گردد. حتی می‌توان در فقه از ضمان «جریره» سخن راند و آن را نوعی بیمه تلقی کرد که طرفین آن، به گونه‌ای جبران غرامت جرائم یکدیگر را بر عهده می‌گیرند [۴۱، ص ۳۸۳]. علاوه بر این‌که بیمه مسؤولیت مدنی، دارای فلسفه انسانی - اجتماعی است، بی‌تردید دارای اهداف اقتصادی نیز هست و برای همین است که در حقوق اسلام، مشروعیت بیمه را از باب ضرورت اجتماعی برای جبران خسارت و نیاز اقتصادی به آن می‌دانند [۴۲، ص ۱۸۶-۱۹۱].

#### ۵-۲. صندوق جبران خسارت محجورین

با توجه به دیدگاه مطرح شده مبنی بر ضرورت «جمعی» یا «اجتماعی» کردن جبران خسارت ناشی از مسؤولیت مدنی که برگرفته از دیدگاه فقه اسلامی در بحث ضمان عاقله است، تأسیس صندوق مستقلی تحت عنوان «صندوق تأمین جبران خسارت محجورین»



در جهت حمایت از حقوق فرزندان (محجورین) امری ضروری به نظر می‌رسد تا در مواردی که آنان از جانب والدینشان متحمل زیان می‌گردند و امکان جبران زیان توسط والدین به هر دلیلی از جمله اعسار یا امتناع آنان از جبران خسارت وجود ندارد، خسارت وارد به فرزندان جبران گردد. پیشنهاد می‌شود که سازمان بهزیستی، متولی این صندوق باشد. برای این صندوق باید حق جانشینی و قائم‌مقامی در مطالبه خسارت پرداخت شده، از والدین قائل شد. با پذیرش این صندوق در قانونگذاری آینده، علاوه بر تسهیل جبران خسارت وارد به محجورین، جبران خسارت وارد به اشخاص ثالث از طرف محجورین نیز از طریق این صندوق امکان‌پذیر می‌گردد.

### ۵-۳- پرداخت خسارت از بیت‌المال (خزانه دولت)

در ضمان عاقله، اگر خاطی عاقله نداشته باشد، یا عاقله و خود مرتکب ناتوان از پرداخت باشد، بر مبنای نظر فقها، خسارت باید توسط امام (ع) از محل بیت‌المال، یعنی خزانه دولت جبران گردد. این شیوه بهترین تضمین برای جبران خسارت است و به خاطر پایداری همیشگی خزانه عمومی، در هیچ شرایطی زیان بدون جبران باقی نمی‌ماند. در ضمان عاقله برای پرداخت خسارت زیان‌دیده دو مرجع جمعی و اجتماعی جبران، یعنی بستگان به‌عنوان «صندوق بیمه خویشاوندی» و بیت‌المال به‌عنوان جبران خسارت توسط دولت در طول هم آمده است. قانونگذار به تبعیت از فقه اسلامی می‌تواند با تصویب قوانین مترقی، در مواقعی که منبع جبران خسارت وجود ندارد یا منبع قانونی، توانایی مالی برای جبران خسارت را ندارد، جبران را بر عهده دولت بگذارد. با توجه به نگرش اسلام به ضمان عاقله، می‌توان تحولی در شیوه‌های جبران خسارت ایجاد و «جبران دولتی» را نهادینه کرد.

آنچه سبب رجحان جبران خسارت توسط دولت، نسبت به صندوق تأمین خسارت محجورین می‌شود، این است که برای دولت حق رجوع برای مطالبه خسارات پرداختی به زیان‌دیده وجود ندارد؛ اما صندوق، حق مطالبه خسارات پرداخت شده را از عامل



زیان دارد.

در حقوق انگلیس، جبران خسارت زیان‌دیده توسط دولت از سال ۱۹۶۴ م. در قالب طرح جبران صدمه‌های کیفری آغاز و هم‌اکنون نیز ساز و کارهای دولتی جبران خسارت در این کشور به موجب طرح جبران صدمات کیفری (مصوب ۲۰۰۱ م.) در حال اجرا است. براساس بند ۸ و ۹ طرح مذکور، این صدمات عبارتند از: صدمه بدنی، صدمه روانی و بیماری. همچنین مطابق بندهای ۴۴-۲۳ خسارات ناشی از این صدمه‌ها شامل از دست دادن درآمد یا توانایی کسب درآمد، هزینه‌های درمانی و پزشکی، مراقبت، تدفین و از دست دادن خدماتی است که از سوی والدین ارائه گردیده است. از این رو، نظام جبران خسارت دولتی در انگلیس علاوه بر خسارت‌های بدنی، صدمه‌ها و آسیب‌های روانی و محرومیت از درآمد یا توانایی کسب درآمد در آینده را نیز شامل می‌شود؛ مشروط بر این‌که خسارت‌های اخیر در نتیجه صدمه‌های بدنی به وجود آمده باشد [۴۳]. این نگرش حقوق انگلیس باید در حقوق ما هم پذیرفته شود.

## ۶. نتیجه‌گیری

در حقوق انگلیس قاعده‌ای تحت عنوان قاعده «مصونیت والدین از مسؤولیت مدنی در برابر فرزندان» در گذشته شکل گرفته که مانع طرح دعاوی مسؤولیت مدنی ناشی از اعمال زیانبار والدین مقابل فرزندان بود. هرچند که این قاعده به طور کامل در فقه و حقوق ما پذیرفته نشده و گرایش به سوی مسؤولیت مدنی والدین در مقابل فرزندان وجود داشت، اما رگه‌های استثنایی از آن مانند مصونیت در تنبیه متعارف فرزندان، وجود دارد و هنوز هم اجرای آن‌ها پابرجا است.

به مرور این قاعده در حقوق انگلیس با افول مواجه و امکان طرح دعاوی مسؤولیت مدنی فرزندان علیه والدین فراهم شد و به این ترتیب در موارد عدیده‌ای مصونیت به مسؤولیت گرایید. رهاورد پژوهش حاضر نشان از تخصیص اکثر خوردن قاعده مصونیت در حقوق انگلیس و استثنایی بودن آن در حقوق ایران دارد.



حقوق انگلیس به سمت شناسایی مسؤولیت مدنی والدین گراییده که آن را به حقوقی ایران مبنی بر شناخت اصالت مسؤولیت مدنی والدین، نزدیکتر کرده است. این تحولات در حقوق انگلیس و ایران به اندازه‌ای چشمگیر بوده که علاوه بر تغییر نگرش از مصونیت به مسؤولیت مدنی والدین، در وضعیت کنونی جبران خسارت از «شخصی» بودن به سمت «جمعی» شدن و بالاتر از آن، به مرحله «جبران دولتی» متمایل شده است. در حقوق کشورمان پیشنهاد ما برای تحول در قانون، برگرفته از دیدگاه مترقی فقه اسلامی در باب «ضمان عاقله» است که در بخشی از آن ضمان جریره و جبران خسارت توسط بستگان، سرمنشأ نگاه جدید به جبران خسارت به وسیله قراردادهای اجتماعی، همانند بیمه و تشکیل نهادهای جمعی و اجتماعی، همانند تأمین اجتماعی بوده است. از طرفی جبران خسارت از بیت‌المال، یعنی از خزانه عمومی، نشانگر اهمیت جبران زیان در دیدگاه فقه اسلامی است. کشورهای مترقی با همین نگرش به سمت اجتماعی کردن جبران خسارات مسؤولیت مدنی در حال پیشرفت هستند. به این ترتیب، تأسیس صندوق‌های بیمه و توسعه نهادهایی مانند تأمین اجتماعی برای جبران زیان‌های وارد به فرزندان و نیز اعمال زیان‌آور آنان در قانونگذاری آینده تحت عنوان «صندوق حمایت از محجورین» و «جبران خسارت فرزندان توسط صندوق‌های بیمه و خزانه دولت»، امری اجتناب‌ناپذیر است.

## ۷. منابع

- [۱] صفایی، سیدحسین، امامی، اسدالله، حقوق خانواده، چ ۱۰، تهران، میزان، ۱۳۸۵.
- [۲] محمدی، عباس، «رژیم مالی خانواده در ایران و فرانسه»، فصلنامه کتاب زنان، ش ۲۴، ۱۳۸۹.
- [۳] Britannica Encyclopedia "Tort – Actions between spouses (۲۰۱۰)".  
On [www.britannica.com](http://www.britannica.com)
- [۴] مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، چ ۳، ج ۱۰۱، بیروت، دارالوفا، ۱۴۰۳ هـ ق.



- [۵] تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم ودرر الکلم، قم، دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ هـ ق.
- [۶] نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۴۳، نجف، دارالکتب، ۱۴۰۴ هـ ق.
- [۷] ابن زهره، غنیه النزوع الی علمی الاصول والفروع، قم، مؤسسه امام الصادق (ع)، ۱۴۱۷ هـ ق.
- [۸] امام خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، ج ۴، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۳.
- [۹] محقق حلی، ابوالقاسم، شرایع الاسلام، ج ۴، تهران، انتشارات استقلال، ۱۴۰۹ هـ ق.
- [۱۰] شیخ مفید، محمد، المقنعه، قم، جامعه المدرسین، ۱۴۱۰ هـ ق.
- [۱۱] یزدانیان، علیرضا، «تحلیلی از مسؤولیت عاقله»، مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی، دوره ۴۴، ۱۳۹۰.
- [۱۲] حلی، ابن ادریس، سرائر، چ ۲، ج ۳، مؤسسه اسلامی، ۱۴۱۱ هـ ق.
- [۱۳] حکمت نیا، محمود، فلسفه حقوق خانواده، چ ۲، ج ۲، تهران، شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ۱۳۸۸.
- [۱۴] مهدوی کنی، صدیقه، ساختار گزاره‌های اخلاقی قرآنی، تهران، دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۸۸.
- [۱۵] احمدزاده، سید حشمت الله (علی)، «آثار متقابل زندان و خانواده»، مجموعه مقالات زندان، فقه و حقوق، قم، دفتر پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۹۲.
- [۱۶] Gail D. Hollister, "Parent-Child Immunity: A Doctrine in Search of Justification", ۵۰ *Fordham L. Rev.* ۴۸۹، ۱۹۸۲
- [۱۷] Jane Wright, "Negligent parenting – can my child sue?", *journal of child law*, Vol ۶, No ۳, ۱۹۹۴
- [۱۸] Eugene, Volokh, "PARENT-CHILD SPEECH AND CHILD CUSTODY SPEECH RESTRICTIONS", Vol. ۸۰, *New York University Law Review*, ۲۰۰۶
- [۱۹] Univ Press, ۱۹۸۰ Isabel Wingerter, "Parent-Child Tort Immunity", ۵۰ *La.*



*L. Rev.*, ۱۹۹۰.

- [۲۰] John. Fleming, *An Introduction to the Law of Tort*, London, Oxford
- [۲۱] داراب پور، مهرباب، «اصول کلی مسؤولیت مدنی در حقوقی انگلستان»، دیدگاه‌های حقوق قضایی، ش ۴۴ و ۴۵، ۱۳۸۷.
- [۲۲] Katharina Boele-Woelki (ed. ), Bente Braat (ed. ), Ian Curry-Sumner (ed. ), *European Family Law in Action. Volume III - Parental Responsibilities*, *European Family Law*, ۲۰۰۵.
- [۲۳] Sweet and MAXWELL'S family law statutes, London, ۲d ed. , ۱۹۷۶.
- [۲۴] Stuart A. Laven, "Liability of Parents for the Willful Torts of Their Children under Ohio Revised Code Section", *Clev. St. L. Rev.* ۱, ۱۹۷۵.
- [۲۵] لوی، هانری برول، «مسائل جامعه‌شناسی جزایی»، ترجمه مصطفی رحیمی، مجله حقوق و جامعه‌شناسی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۵۸.
- [۲۶] پاشا صالح، علی، *سرگذشت قانون: مباحثی از تاریخ حقوق*، چ ۲، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
- [۲۷] عیسائی تفرشی، محمد، *مباحثی تحلیلی از شرکت‌های تجاری*، چ ۲، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۶.
- [۲۸] صفار، محمدجواد، *شخصیت حقوقی*، تهران، بهنامی، ۱۳۹۰.
- [۲۷] Paul Addison, Harriet Jones, *A Companion to Contemporary Britain*, ۱۹۳۹-۲۰۰۰, Oxford, Blackwell Publishing, ۲۰۰۵.
- [۲۹] کاتوزیان، ناصر، *حقوق خانواده*، ج ۱، چ ۷، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵.
- [۳۰] صفائی، سید حسین، امامی، اسدالله، *حقوق خانواده*، ج ۱، تهران، میزان، ۱۳۸۲.
- [۳۱] حلی، محمد بن ادریس، *سرائر*، چ ۲، ج ۱، نشر مؤسسه اسلامی، ۱۴۱۱ هـ.ق.
- [۳۲] نجفی، شیخ محمدحسن، *جواهر الکلام*، چ ۳، ج ۲۵، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷.
- [۳۳] جوان، موسی، «برگی از تاریخ حقوق»، نشریه حقوق امروز، ش ۲۶، ۱۳۵۰.



- [۳۴] Britannica Encyclopedia “Tort–Actions between spouses (۲۰۱۰)”. On: [www.britannica.com](http://www.britannica.com)
- [۳۵] Judicial branch-state of connecticut judicial branch libraries: “Inter spousal (tort) immunity in Connecticut-usa. On: [www. Jud. ct. gov](http://www.Jud.ct.gov)
- [۳۶] The lectric law librarys lexicon (۲۰۱۰) on: [www. lectlaw. com](http://www.lectlaw.com)
- [۳۷] شریف مرتضی، علی بن حسین، رسائل الشریف المرتضی، ج ۲، قم، دارالقرآن الکریم.
- [۳۸] فاضل مقداد، جمال الدین، التنقیح الرائع لمختصر الشرائع، ج ۴، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی.
- [۳۹] یزدانیان، علیرضا؛ نیازی، عباس، «مطالعه تطبیقی مسؤولیت تضامنی در فقه و حقوق فرانسه»، مجله فقه و حقوق اسلامی، دوره ۵، ۱۳۹۳.
- [۴۰] محمصانی، صبحی، قوانین فقه اسلامی، ترجمه جمال الدین جمالی، ج ۱، تهران، موسوی، ۱۳۳۹.
- [۴۱] مطهری، مرتضی، فقه و حقوق (مجموعه آثار)، ج ۲۰، قم، ایران، بی تا.
- [۴۲] عرفانی، توفیق، قرارداد بیمه در حقوق اسلام و ایران، ج ۱، تهران، کیهان، ۱۳۷۱.
- [۴۳] فرجیها، محمد؛ بازیار، ابوالقاسم، «جبران دولتی خسارت‌های بزه‌دیدگان در حقوق کیفری ایران و انگلستان»، مجله حقوق تطبیقی، دوره ۲، ۱۳۹۰.